

بررسی اثر تعدیل گر استقلال هیئت مدیره بر رابطه بین تمرکز مالکیت و محافظه کاری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

نوع مقاله: پژوهشی

پیمان امینی^۱

محسن ادیبان^۲

فرید مصطفایی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۱۳

چکیده

محافظه کاری در گزارشگری مالی می تواند به عنوان یک معیار جایگزین برای برخی مکانیزم های حاکمیت شرکتی مؤثر واقع شود و انتظار می رود نظام راهبری قدرتمندتر، منجر به اعمال نظارت بهتر بر عملکرد مدیر و از جمله الزام وی به رعایت شیوه های محافظه کارانه در جهت حفظ منافع سهامداران و اعتبار دهندگان شود. این تحقیق با هدف بررسی اثر تعدیل گر استقلال هیئت مدیره بر رابطه بین تمرکز مالکیت و محافظه کاری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شد. این تحقیق از نوع توصیفی و کاربردی و با توجه به ماهیت موضوع نیمه تجربی یا طرح پس رویدادی بود. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. در این تحقیق برای تعیین نمونه آماری، از روش حذفی سیستماتیک استفاده شده است. با توجه به بررسی های انجام شده، ۱۲۰ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ حائز شرایط فوق بوده و برای نمونه آماری انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه ها از تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. نتایج نشان داد که استقلال هیئت مدیره بر رابطه بین تمرکز مالکیت و محافظه کاری در بورس اوراق بهادار تهران اثر تعدیل گر دارد.

واژه های کلیدی: تمرکز مالکیت، محافظه کاری، استقلال هیئت مدیره

طبقه بندی JEL: F32, D91, H83, J44, G32

^۱ استادیار گروه حسابداری، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران (نویسنده مسئول) p.amini@tuok.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری، گروه حسابداری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران
Rozhmanadiban@gmail.com

^۳ دانشجوی دکتری حسابداری، گروه حسابداری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.
Faridmostafaei@yahoo.com

مقدمه

محافظه‌کاری در حسابداری سابقه‌ای طولانی دارد. محافظه‌کاری در گزارش‌گری مالی می‌تواند به عنوان یک معیار جایگزین برای برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی مؤثر واقع شود، چون اعمال محافظه‌کاری در رفتار خوش‌بینانه مدیران، باعث کاهش مسائل نمایندگی شده و رفتار جانبدارانه مدیر را خنثی و پرداخت‌های فرصت‌طلبانه مدیر به خود را، محدود می‌کند (خوشکار و همکاران، ۱۴۰۰). شناسایی به موقع زیان‌ها می‌تواند به مثابه هشدار برای هیئت‌مدیره تلقی شود تا منشأ به وجود آمدن اخبار بد و عملکرد ضعیف را به سرعت بررسی نموده و باعث کاهش هزینه‌های نمایندگی ناشی از عملکرد مدیران اجرایی شود. بنابراین انتظار می‌رود نظام راهبری قدرتمندتر، منجر به اعمال نظارت بهتر بر عملکرد مدیر و از جمله الزام وی به رعایت شیوه‌های محافظه‌کارانه در جهت حفظ منافع سهامداران و اعتباردهندگان شود (دستگیر و همکاران، ۱۳۹۹). به طور کلی، محافظه‌کاری آن دسته از اعمال حسابداری می‌باشد که برای آنها سودی انتظار نمی‌رود در حالی که اکثر مواقع برای آنها زیان نیز پیش بینی می‌شود (مهدیان و شیربندی، ۱۳۹۸). در تحقیقات قبلی بیان شده است که محافظه‌کاری تعریفی مشخص ندارد، علیرغم اینکه جنبه مهم و شناخته شده اصول حسابداری پذیرفته شده عمومی (GAAP) می‌باشد (کمپتون و تریزی، ۲۰۲۱). حیدر و همکاران (۲۰۲۱) بیان نمودند که محافظه‌کاری حسابداری، نوعی حسابداری است که به سطوح تأیید بیشتری برای شناسایی اخبار تشویقی مانند سود نیاز دارد تا شناسایی اخبار منفی مانند زیان. حسابداری محافظه‌کارانه توسط کوی و همکاران (۲۰۲۱) به عنوان اعتبار در تفاوت بین گزارش زیان و سود تعریف شده است و محافظه‌کاری به عنوان ابزار ارزیابی مداخله‌گر در حسابداری در نظر گرفته می‌شود (حجاویه و همکاران، ۲۰۲۰).

اغلب مواقع، محافظه‌کاری حسابداری توسط نوع ساختار مالکیت تعیین می‌شود. ساختار مالکیت، عامل تعیین‌کننده اولیه در خصوص هزینه نمایندگی است (جودت زاگلوچه و محمدزاده، ۱۳۹۹). مسائلی که در صورت گسترش ساختار مالکیت ممکن است ایجاد شوند، با موضوعاتی که در صورت تمرکز مالکیت به وجود می‌آیند، تفاوت دارند، خواه مالکیت نهادی، مدیریتی، خانوادگی، یا مالکیت سرمایه‌گذار عمده باشد (آسیریوا و همکاران، ۲۰۱۹). لزوم حمایت از سرمایه‌گذاران خرد در برابر اقدامات فرصت‌طلبانه مدیریت در کنترل اطلاعات حسابداری، توجه را به حاکمیت

1 Generally Accepted Accounting Principles

2 Kempthorne & Terrizzi

3 Haider et al.

4 Cui et al.

5 Hajawiyah et al.

6 Asiriwa et al.

شرکتی معطوف کرده است تا نقش نظارتی هیئت‌مدیره تقویت شود و صلاحیت‌ها و اختیارات آن فراتر از کنترل مدیریت اجرایی اعمال شود. استقلال هیئت‌مدیره، علاوه بر دارا بودن نقش تکرار نشدنی اولین مدیر اجرایی و ایجاد کمیته‌های ویژه هیئت‌مدیره، برای کمک به مدیر در انجام مسئولیت‌های خاص، قابل توجه است (سائونا و همکاران ۱، ۲۰۲۰).

الزام محافظه‌کاری حسابداری از طریق استقلال اعضای هیئت‌مدیره، تعداد جلسات آنها، در دسترس بودن تعداد مناسب اعضا، استقلال اعضا، تفکیک وظایف مدیر اجرایی و رئیس، و رعایت استانداردهای حسابداری عمل می‌کند (بنکرائیم و همکاران ۲، ۲۰۱۷). صالحی و همکاران ۳ (۲۰۲۱) بیان نمودند که سازمانهایی که دارای سطوح بالای حاکمیت هستند تمایل کمتری برای نوآوری در حسابداری خود دارند و این مساله باعث افزایش سطوح محافظه‌کاری حسابداری می‌شود. همچنین، نگوین و همکاران ۴ (۲۰۲۰) نشان دادند که ارتباط مطلوبی بین قدرت هیئت‌مدیره و محافظه‌کاری حسابداری وجود دارد. ژانگ و همکاران ۵ (۲۰۱۹) نشان دادند که خط مشی محافظه‌کاری حسابداری، به عنوان ابزار کنترلی است که اقدامات فرصت طلبانه مدیریت را برای محافظت از حقوق سهامداران به طور کلی و سهامداران شرکت به طور خاص محدود می‌کند، علاوه بر این، کیفیت سود را بهبود می‌بخشد و سطوح قدرت را افزایش می‌دهد.

محافظه‌کاری همچنین به عنوان ویژگی اصلی کیفیت گزارشگری مالی در نظر گرفته می‌شود که اغلب توسط شرکت کنندگان در بازار مالی برای اندازه گیری سود گزارش شده کسب و کارها مورد استفاده قرار می‌گیرد (شن و همکاران ۶، ۲۰۲۰). علاوه بر این، محافظه‌کاری حسابداری ابزاری است که در کنترل رفتار استثماری مدیران اجرایی مفید است (شارما و کار ۷، ۲۰۲۱). عدم وجود اطلاعات دقیق برای سهامداران ناشی از جداسازی مالکیت و کنترل است و باعث می‌شود مدیریت بیش از حد دست به جبران زند. محافظه‌کاری حسابداری به عنوان جایگزینی برای مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی از نظر اجازه به سهامداران برای نظارت و قضاوت در مورد رفتار مدیریت عمل می‌کند. سهامداران، ممکن است اطلاعات کاملی در مورد عملکرد سازمان به دست نیاورند، که منجر به مشکلاتی در تصمیم‌گیری نهایی آنها می‌شود. بنابراین گزارش‌های حسابداری یک منبع اطلاعاتی اساسی و ضروری برای سهامداران است (اویس ۸، ۲۰۲۱). در اصول حسابداری،

1 Saona et al.

2 Benkraiem et al.

3 Salehi et al.

4 Nguyen et al.

5 Zhang et al.

6 Shen et al.

7 Sharma & Kaur

8 Owais et al.

محافظه‌کاری آن چیزی است که شرکت‌ها را ملزم می‌کند تا صورت‌های مالی خود را با احتیاط تهیه کنند و در شرایط نامطمئن درجه بالایی از راستی آزمایی را اعمال کنند. در واقع، نتایج مطالعات قبلی نشان داده‌اند که حسابداری محافظه‌کارانه‌تری برای شرکت‌هایی با مسائل نمایندگی شدیدتر در رابطه مدیر-نماینده مورد نیاز است (حجاویه و همکاران، ۲۰۲۰). محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند به مدیران کمک کند تا با دادن یک سیگنال اولیه برای سرمایه‌گذاری در وجود پروژه‌های با ارزش فعلی خالص منفی به مدیران کمک کند تا زیان‌های مرده را کاهش دهند، به گونه‌ای که اصل حسابداری مستلزم ثبت تمام هزینه‌ها و بدهی‌های احتمالی است، در حالی که درآمدها و دارایی‌ها تنها زمانی قابل ثبت هستند که به طور کامل محقق شوند. همچنین ثابت شده است که محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند به افزایش ارزش شرکت و سهام آن کمک کند (ابوریشه و همکاران، ۲۰۲۲). محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند مدیران، به ویژه مدیران خارجی را به عنوان ابزاری سودمند در نشان دادن مسئولیت‌هایشان در تصویب و نظارت بر تصمیمات حیاتی تسهیل کند. در نتیجه، هیئت‌مدیره قوی‌تر با استقلال بیشتر در تصمیم‌گیری احتمالاً در درک مزایای محافظه‌کاری کارآمد است، بنابراین تمایل بیشتری به نیاز به شیوه‌های حسابداری محافظه‌کارانه دارند. از سوی دیگر، هیئت‌های مستقل یا هیئت‌هایی که مشوق‌های نظارتی محدودی دارند، به احتمال زیاد به مدیران اجازه می‌دهند تا حسابداری تهاجمی (کمتر محافظه‌کارانه) را به کار گیرند (نگوین و همکاران، ۲۰۲۲). با این وجود، مشکلات نمایندگی سهامدار-مدیر، عواقب جدی در اقتصادهای توسعه یافته دارد اما در کشورهای نوظهور چندان زیاد نبوده و حتی می‌تواند با تمرکز مالکیت کاهش یابد که باعث تضاد جدی‌تری بین سهامداران اکثریت و اقلیت می‌شود. سهامدارانی که مهمترین سهام را در اختیار دارند می‌توانند با رأی دادن به هیئت‌مدیره، اختیار تعیین تشکیلات و عملکرد شرکت را داشته باشند. از این رو، تصمیمات شورای مدیریت معمولاً به نفع خواسته‌های سهامداران اکثریت است، حتی اگر این اقدام به طور بالقوه برای سهامداران اقلیت مضر باشد (نگوین و همکاران، ۲۰۲۲).

به گفته کولینان و همکاران (۲۰۱۲)، یک نسبت معکوس بین نسبت سهام تحت مالکیت و محافظه‌کاری حسابداری مشاهده می‌شود و اگر ۳۰ درصد از سهام موجود توسط سهامداران عمده کنترل شود، این رابطه مهم‌تر می‌شود. احمد و دولمن (۲۰۰۷) نشان می‌دهند که درصد مدیران داخلی به طور معکوس با محافظه‌کاری مرتبط است، و درصد سهام مدیران خارجی به طور مطلوب با محافظه‌کاری مرتبط است. شان (۲۰۱۹) بر تأثیر نظارتی مدیران مستقل تمرکز کرد و ادعا کرد

1 Aburیشه et al.

2 Cullinan et al.

که مدیران مستقل ممکن است محافظه‌کاری را تشویق کنند و حاکمیت شرکتی بهتر ممکن است این تأثیر را تقویت کند. به گفته چن و وی (۲۰۰۷)، افزایش تعداد اعضای مستقل هیئت‌مدیره انعکاس اخبار بد را به تأخیر نمی‌اندازد و محافظه‌کاری حسابداری را افزایش می‌دهد. بر اساس این دیدگاه، استقلال هیئت‌مدیره ارتباط مطلوبی با محافظه‌کاری حسابداری دارد. با توجه به مطالب بیان شده سوال اصلی این تحقیق این است که آیا استقلال هیئت مدیره بر رابطه بین تمرکز مالکیت و محافظه‌کاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اثر تعدیل‌گر دارد؟

۱- روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی، و از نظر شیوه‌ی انجام، از نوع پژوهش‌های توصیفی است که به بررسی همبستگی بین متغیرها پرداخته است و از نظر بعد زمانی نیز، از نوع پژوهش‌های گذشته‌نگر است. همچنین این پژوهش از نوع پژوهش‌های توصیفی در حوزه پژوهش‌های اثباتی حسابداری است که با استفاده از روش رگرسیونی چند متغیره و الگوهای اقتصادسنجی انجام شد. جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از ابتدای سال ۱۳۹۵ تا پایان سال ۱۴۰۰ بود. برای دستیابی به نتایج قابل اتکا، در هر مرحله از بین کلیه شرکت‌های موجود، شرکت‌هایی که دارای شرایط ذیل نباشند حذف شدند و شرکت‌های باقی مانده به عنوان نمونه مورد بررسی قرار می‌گیرند:

- ✓ تا پایان اسفندماه در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد و سال مالی آن منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
- ✓ شرکت‌ها نایبستی سال مالی خود را در طی دوره‌های مورد نظر تغییر داده باشند.
- ✓ جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری، حمل و نقل، بانکها، بیمه و... نباشد
- ✓ اطلاعات مالی مورد نیاز برای انجام این پژوهش را در دوره زمانی ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۰ به شکلی کامل ارائه کرده باشد.

جمع‌آوری داده‌های شرکت‌ها از صورتهای مالی آنها و نرم افزار رهاورد نوین صورت گرفت. در نهایت پس از رعایت شروط فوق و اعمال نمونه‌گیری از ۷۲۰ شرکت موجود در بورس اوراق بهادار تا پایان سال ۱۴۰۰ تعداد ۱۲۰ نمونه انتخاب گردید.

الگوی پژوهش و متغیرهای تحقیق: با توجه به چارچوب نظری و پیشینه پژوهش، الگوی پژوهش از نوع رگرسیون چند متغیره است. بنابراین، الگوی زیر انتخاب شد.

$$CONACC_{it} = \beta_0 + \beta_1 CONOWN_{it} + \beta_2 BINDEP_{it} + \beta_3 CONOWN_{it} * \beta_4 BSIZE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 FSIZE_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر وابسته:

CONACC_{it} = محافظه‌کاری حسابداری: شاخص محافظه‌کاری بر اساس مدل گیولی و هین (۲۰۰۰) برابر است با:

$$= \text{شاخص محافظه‌کاری} - 1 \times \frac{\text{جریان نقدی حاصل از سود عملیاتی} - \text{هزینه غیرنقدی‌های سود عملیاتی}}{\text{جمع دارایی اول‌های دوره}}$$

متغیر مستقل:

CONOWN_{it} = تمرکز مالکیت: تمرکز مالکیت در این تحقیق، به پیروی از آستامی و تاور (۲۰۰۶) به این صورت تعریف شده است: مجموع سهام اشخاص حقیقی یا حقوقی که بیش از ۱۰ درصد سهام شرکت را در اختیار دارند. این درصد از طریق اطلاعات ارائه شده در صورت‌های مالی شرکت‌ها محاسبه می‌شود.

متغیر تعدیل‌گر:

BIND = استقلال هیئت‌مدیره: اعضای مستقل هیئت‌مدیره (تعداد اعضای مستقل به تعداد کل اعضای هیئت‌مدیره).

متغیرهای کنترلی:

BSIZE = اندازه هیئت‌مدیره: تعداد کل مدیران هیئت‌مدیره در انتهای سال (به تعداد حداقل ۵ نفر).

FSIZE = اندازه شرکت: کل دارایی‌ها به صورت لگاریتم طبیعی در پایان سال.

LEV = اهرم مالی: کل بدهی‌ها به عنوان درصدی از کل دارایی‌ها در پایان سال مالی.

تجزیه و تحلیل داده‌ها: در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های توصیفی در بخش آمار توصیفی و در بخش استنباطی از آزمونهای t و F استفاده شد. همچنین در این مطالعه، آزمون‌های لیمر و چاو (برای انتخاب روش ترکیبی)، هاسمن (انتخاب بین یک مدل اثر ثابت و تصادفی)، روش پاگان-گادفری (برای تشخیص ناهمسانی واریانس) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتایج تحقیق نیز با استفاده از برنامه‌های اکسل ۱، و استاتا ۲ نسخه ۱۷ استخراج شدند.

1 Excel

2 Stata

۲- یافته‌ها

جدول ۱، آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را نشان می‌دهد. آمار توصیفی مربوط به ۱۲۰ شرکت نمونه طی دوره زمانی ۶ ساله (۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰) می‌باشد.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
محافظه‌کاری	CONACCit	۷۲۰	-۰,۰۹۹	۰,۲۳۰۲	۰,۸۸۶	۰,۶۰۳
تمرکز مالکیت	CONOWNit	۷۲۰	۰,۴۷۹	۰,۱۱۸	۰,۱۳۸	۰,۷۳۸
استقلال هیئت‌مدیره	BIND	۷۲۰	۰,۵۴۹	۰,۱۶۳	۰,۳۳۳	۰,۸
اندازه هیئت‌مدیره	BSIZE	۷۲۰	۰,۷۳۵	۰,۰۳۹	۰,۶۹۸	۰,۷۷۸
اندازه شرکت	FSIZE	۷۲۰	۱۵,۲۸۵	۱,۵۵۴	۱۱,۳۶۱	۲۰,۴۶۴
اهرم مالی	LEV	۷۲۰	۰,۵۱۹	۰,۲۱۷	۰,۰۳۱	۱,۲۷۳

منبع: نتایج تحقیق

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر اهرم مالی برابر با (۰,۵۱۹) می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. به‌طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای اندازه شرکت برابر با ۱,۵۵۴ و برای اندازه هیئت‌مدیره برابر با ۰,۰۳۹ می‌باشد که نشان می‌دهد این دو متغیر به ترتیب دارای بیشترین و کمترین انحراف معیار هستند. کمینه و بیشینه نیز کمترین و بیشترین را در هر متغیر نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال بزرگ‌ترین مقدار اهرم مالی ۱,۲۷۳ است که نشان می‌دهد در شرکت‌های نمونه شرکتی وجود دارد که کل بدهی‌های آن از کل دارایی‌ها بیشتر بوده و حقوق صاحبان سهام آن منفی است. در آمار استنباطی، تحلیل داده‌ها با استفاده از روش داده‌های ترکیبی و با رویکرد پنل دیتا صورت گرفت و ابتدا مفروضات تحلیل رگرسیون بررسی گردید. جدول ۲ نتایج آزمون اف لیمر (چاو) و هاسمن را نشان می‌دهد.

جدول ۲: نتایج آزمون اف لیمر (چاو) و هاسمن

نتیجه	آزمون هاسمن		نتیجه	آزمون اف لیمر		آزمون مدل
	سطح معنی داری	آماره آزمون		سطح معنی داری	آماره آزمون	
اثرات ثابت	۰,۰۰۰۰	۲۷,۸۶	روش تابلویی	۰,۰۰۰۰	۳,۸۹	مدل اول
اثرات ثابت	۰,۰۰۰۰	۳۲,۴۶	روش تابلویی	۰,۰۰۰۰	۳,۸۵	مدل دوم

منبع: نتایج تحقیق

با توجه به نتایج جدول ۲ سطح معناداری آزمون اف لیمر در مدل های پژوهش کمتر از ۵ درصد است، از این رو نوع داده ها تابلویی و آزمون هاسمن تعیین کننده نوع رگرسیون خواهد بود با توجه به نتایج آزمون هاسمن در مدل های پژوهش سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است لذا باید از روش پانل دیتا- ثابت استفاده کرد. جدول ۳ نتایج آزمون ناهمسانی واریانس را نشان می دهد.

جدول ۳: نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
مدل اول	۱۰۰۰۳,۴۹	۰,۰۰۰۰	وجود ناهمسانی واریانس
مدل دوم	۱۵۳۷۲,۷۳	۰,۰۰۰۰	وجود ناهمسانی واریانس

منبع: نتایج تحقیق

نتایج حاصل در جدول ۳ نشان می دهد که سطح معنی داری آزمون در همه مدل ها کمتر از ۵ درصد می باشد و بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در جملات اخلاقی می باشد که این مشکل در تخمین نهایی مدل پژوهش با اجرای دستور *gls* رفع شده است.

یکی از فرض های اساسی در تخمین مدل رگرسیون به روش *OLS* عدم خودهمبستگی بین جملات خطا یا همبستگی سریالی است. چون مقادیری که متغیرهای توضیحی در مدل به خود می گیرند تصادفی هستند، بنابراین مقادیر خطا نیز باید در کل تصادفی باشند. یعنی، بین مقادیر جملات خطا همبستگی و ترتیب خاصی وجود نداشته باشد و در طول زمان به طور منظم تغییر نکند، زیرا اگر چنین باشد، تغییرات جملات خطا تصادفی نبوده و به مقادیر متغیرهای توضیحی وابسته خواهد بود. همبستگی بین مقادیر خطا ممکن است در بین سال های مختلف و یا در بین مقاطع مختلف وجود داشته باشد (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۵). جدول ۴ نتایج آزمون خودهمبستگی سریالی را نشان می دهد.

جدول ۴: نتایج آزمون خودهمبستگی سریالی

مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
مدل اول	۴,۵۶۴	۰,۰۳۴۷	وجود خودهمبستگی
مدل دوم	۴,۲۱۰	۰,۰۴۲۴	وجود خودهمبستگی

منبع: نتایج تحقیق

با توجه به نتایج جدول ۴، مشاهده می‌شود که سطح معناداری آزمون والدريج برای همه مدل‌ها کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر وجود خودهمبستگی سریالی در مدل‌ها می‌باشد. که این مشکل در تخمین نهایی مدل با اجرای دستور *Auto Correlation* رفع شده است. جدول ۵ نتایج به دست آمده از بررسی اثر تعدیل گر استقلال هیئت مدیره بر رابطه بین تمرکز مالکیت و محافظه کاری را نشان می‌دهد.

جدول ۵: نتیجه آزمون الگوی تحقیق

$CONACCit_{it} = \alpha_0 + \beta_1 CONOWNit_{it} + \beta_2 BIND_{it} + \beta_3 (CONOWNit_{it} \times BIND_{it}) + \beta_4 BSIZE_{it} + \beta_5 FSIZE_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$						
متغیر وابسته: محافظه کاری						
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره z	سطح معناداری	هم خطی
تمرکز مالکیت	CONOWNit	۰,۱۱۸	۰,۰۳۹	۲,۹۶	۰,۰۰۳	۲,۱۴
استقلال هیئت مدیره	BIND	۰,۱۱۲	۰,۰۶۹	۱,۶۱	۰,۱۰۷	۱,۳۱
تمرکز مالکیت* استقلال هیئت مدیره	CONOWNit * BIND	۰,۱۸۰۶	۰,۰۶۸	۲,۶۶	۰,۰۰۸	۲,۳۵
اندازه هیئت مدیره	BSIZE	-۰,۰۲۷	۰,۰۰۷	-۳,۷۸	۰,۰۰۰	۱,۰۱
اندازه شرکت	FSIZE	-۰,۰۹۷	۰,۱۶۰۱	-۰,۶۱	۰,۵۴۱	۱,۱۸
اهرم مالی	LEV	۰,۱۶۲	۰,۰۲۹	۵,۶۱	۰,۰۰۰	۱,۰۱
C		۰,۲۵۸	۰,۲۰۸	۱,۲۴	۰,۲۱۶	---
ضریب تعیین		۰,۰۶۷۲				
آماره والد		۴۶,۳۳				

سطح معناداری	۰,۰۰۰۰
--------------	--------

منبع: نتایج تحقیق

نتایج جدول ۵، نشان می‌دهد که تمرکز مالکیت*استقلال هیئت‌مدیره با ضریب مثبت و سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد بر محافظه‌کاری تأثیر مستقیم دارد و این رابطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. متغیر کنترلی اهرم مالی دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این‌رو رابطه مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارد ولی متغیر کنترلی اندازه هیئت‌مدیره دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد و ضریب منفی است از این‌رو رابطه معکوس و معناداری با متغیر وابسته دارد. ضریب تعیین برابر با ۶ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۴۶,۳۳ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این‌رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. آزمون هم خطی نشان می‌دهد عامل تورم واریانس در متغیرهای مدل وجود ندارد.

۳- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف از این پژوهش، بررسی اثر تعدیل‌گر استقلال هیئت‌مدیره بر رابطه بین تمرکز مالکیت و محافظه‌کاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود. باتوجه به نتایج، استقلال هیئت‌مدیره بر رابطه بین تمرکز مالکیت و محافظه‌کاری در بورس اوراق بهادار تهران اثر تعدیل‌گر دارد. نتایج به دست آمده با نتایج نگوین و همکاران (۲۰۲۲) همسو بود که نشان داد نسبت سهام موجود متعلق به سهامداران عمده به طور منفی با محافظه‌کاری حسابداری مرتبط است و استقلال هیئت‌مدیره نقش تعدیل‌کننده را در این رابطه ایفا می‌کند. ابوریثه و همکاران (۲۰۲۲) نیز نشان دادند که استقلال هیئت‌مدیره و مالکیت سرمایه‌گذاران بزرگ بر محافظه‌کاری حسابداری تأثیر دارد.

در تبیین یافته‌های به دست آمده باید بیان نمود که حسابداری محافظه‌کارانه به عنوان اعتبار در تفاوت بین گزارش زیان و سود تعریف شده است و محافظه‌کاری به عنوان ابزار ارزیابی مداخله‌گر در حسابداری در نظر گرفته می‌شود (حجاویه و همکاران، ۲۰۲۰). علاوه بر این، محافظه‌کاری حسابداری ابزاری است که در کنترل رفتار استثماری مدیران اجرایی مفید است (شارما و کار، ۲۰۲۱). عدم وجود اطلاعات دقیق برای سهامداران ناشی از جداسازی مالکیت و کنترل است و باعث می‌شود مدیریت بیش از حد دست به جبران زند (اویس، ۲۰۲۱). نتایج مطالعات قبلی نشان داده‌اند که حسابداری محافظه‌کارانه‌تری برای شرکت‌هایی با مسائل نمایندگی شدیدتر در رابطه

مدیر-نماینده مورد نیاز است (حجاویه و همکاران، ۲۰۲۰). محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند به مدیران کمک کند تا با دادن یک سیگنال اولیه برای سرمایه‌گذاری در وجود پروژه‌های با ارزش فعلی خالص منفی به مدیران کمک کند تا زیان‌های مرده را کاهش دهند، به گونه‌ای که اصل حسابداری مستلزم ثبت تمام هزینه‌ها و بدهی‌های احتمالی است، در حالی که درآمدها و دارایی‌ها تنها زمانی قابل ثبت هستند که به طور کامل محقق شوند (ابوریشه و همکاران، ۲۰۲۲). اغلب مواقع، محافظه‌کاری حسابداری توسط نوع ساختار مالکیت تعیین می‌شود. ساختار مالکیت، عامل تعیین‌کننده اولیه در خصوص هزینه نمایندگی است. مسائلی که در صورت گسترش ساختار مالکیت ممکن است ایجاد شوند، با موضوعاتی که در صورت تمرکز مالکیت به وجود می‌آیند، تفاوت دارند، خواه مالکیت نهادی، مدیریتی، خانوادگی، یا مالکیت سرمایه‌گذار عمده باشد (آسیریوا و همکاران، ۲۰۱۹). لزوم حمایت از سرمایه‌گذاران خرد در برابر اقدامات فرصت‌طلبانه مدیریت در کنترل اطلاعات حسابداری، توجه را به حاکمیت شرکتی معطوف کرده است تا نقش نظارتی هیئت‌مدیره تقویت شود و صلاحیت‌ها و اختیارات آن فراتر از کنترل مدیریت اجرایی اعمال شود (سائونا و همکاران، ۲۰۲۰). مشکلات نمایندگی سهامدار-مدیر، عواقب جدی در اقتصادهای توسعه یافته دارد اما در کشورهای نوظهور چندان زیاد نبوده و حتی می‌تواند با تمرکز مالکیت کاهش یابد که باعث تضاد جدی‌تری بین سهامداران اکثریت و اقلیت می‌شود. سهامدارانی که مهمترین سهام را در اختیار دارند می‌توانند با رأی دادن به هیئت‌مدیره، اختیار تعیین تشکیلات و عملکرد شرکت را داشته باشند. از این رو، تصمیمات شورای مدیریت معمولاً به نفع خواسته‌های سهامداران اکثریت است، حتی اگر این اقدام به طور بالقوه برای سهامداران اقلیت مضر باشد (نگوین و همکاران، ۲۰۲۲). به گفته کولینان و همکاران (۲۰۱۲)، یک نسبت معکوس بین نسبت سهام تحت مالکیت و محافظه‌کاری حسابداری مشاهده می‌شود و اگر ۳۰ درصد از سهام موجود توسط سهامداران عمده کنترل شود، این رابطه مهم‌تر می‌شود.

از طرفی الزام محافظه‌کاری حسابداری از طریق استقلال اعضای هیئت‌مدیره، تعداد جلسات آنها، در دسترس بودن تعداد مناسب اعضا، استقلال اعضا، تفکیک وظایف مدیر اجرایی و رئیس، و رعایت استانداردهای حسابداری عمل می‌کند (بنکرائیم و همکاران، ۲۰۱۷). صالحی و همکاران (۲۰۲۱) بیان نمودند که سازمانهایی که دارای سطوح بالای حاکمیت هستند تمایل کمتری برای نوآوری در حسابداری خود دارند و این مساله باعث افزایش سطوح محافظه‌کاری حسابداری می‌شود. همچنین، نگوین و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند که ارتباط مطلوبی بین قدرت هیئت‌مدیره و محافظه‌کاری حسابداری وجود دارد. ژانگ و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند که خط مشی محافظه‌کاری حسابداری، به عنوان ابزار کنترلی است که اقدامات فرصت‌طلبانه مدیریت را برای

محافظت از حقوق سهامداران به طور کلی و سهامداران شرکت به طور خاص محدود می‌کند، علاوه بر این، کیفیت سود را بهبود می‌بخشد و سطوح قدرت را افزایش می‌دهد. استقلال هیئت‌مدیره، علاوه بر دارا بودن نقش تکرار نشدنی اولین مدیر اجرایی و ایجاد کمیته‌های ویژه هیئت‌مدیره، برای کمک به مدیر در انجام مسئولیت‌های خاص، قابل توجه است (سائونا و همکاران، ۲۰۲۰). محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند مدیران، به ویژه مدیران خارجی را به عنوان ابزاری سودمند در نشان دادن مسئولیت هایشان در تصویب و نظارت بر تصمیمات حیاتی تسهیل کند. در نتیجه، هیئت‌مدیره قوی‌تر با استقلال بیشتر در تصمیم‌گیری احتمالاً در درک مزایای محافظه‌کاری کارآمد است، بنابراین تمایل بیشتری به نیاز به شیوه‌های حسابداری محافظه‌کارانه دارند. از سوی دیگر، هیئت‌های مستقل یا هیئت‌هایی که مشوق‌های نظارتی محدودی دارند، به احتمال زیاد به مدیران اجازه می‌دهند تا حسابداری تهاجمی (کمتر محافظه‌کارانه) را به کار گیرند (نگوین و همکاران، ۲۰۲۲). شان (۲۰۱۹) بر تأثیر نظارتی مدیران مستقل تمرکز کرد و ادعا کرد که مدیران مستقل ممکن است محافظه‌کاری را تشویق کنند و حاکمیت شرکتی بهتر ممکن است این تأثیر را تقویت کند. به گفته چن و وی (۲۰۰۷)، افزایش تعداد اعضای مستقل هیئت‌مدیره انعکاس اخبار بد را به تاخیر نمی‌اندازد و محافظه‌کاری حسابداری را افزایش می‌دهد. بر اساس این دیدگاه، استقلال هیئت‌مدیره ارتباط مطلوبی با محافظه‌کاری حسابداری دارد.

معمولاً محققان در تحقیقات خود با محدودیت‌هایی روبرو می‌شوند. تحقیق حاضر نیز از این قاعده مستثنی نبوده و دارای محدودیت‌هایی می‌باشد؛ از جمله نبود یک پایگاه اطلاعاتی منظم و سازمان‌یافته برای دستیابی به اطلاعات شرکت‌ها و اطلاعات دقیق مالکیت آنها که باعث می‌شود داده‌های مورد استفاده در تحقیق مورد شک و تردید قرار گیرد. شرایط سیاسی و اقتصادی کشور و نیز جو روانی حاکم بر بازار بورس اوراق بهادار تهران، از عواملی هستند که ممکن است بر متغیرهای این پژوهش اثرگذارند، اما در پژوهش حاضر کنترل نشده‌اند.

با توجه به نتایج به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود که از شیوه‌های حسابداری محافظه‌کارانه در گزارشگری خود استفاده نمایند زیرا اثربخشی حاکمیت شرکتی را تکمیل می‌کند، رفتار فرصت طلبانه مدیران را محدود می‌کند، با مشکلات نمایندگی مقابله و سازوکارهای شرکتی را ارتقا می‌دهد. به شرکت‌های فهرست شده در بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود، کیفیت صورت‌های مالی خود را برای معرفی و انتصاب مدیران غیرموظف (مستقل) در هیئت‌مدیره خود، به ویژه در شرکت‌هایی با مالکیت بسیار متمرکز در نظر بگیرند. استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی به ویژه سرمایه‌گذاران در زمان تصمیم‌گیری در مورد گزارشات مالی شرکت‌ها، نقش مدیران غیر موظف را در تحریف گزارشات به طور جدی مدنظر قرار دهند.

منابع

۱. امین عشایری، آسو (۱۴۰۱). تبیین نقش دانش مالی اعضا و استقلال مدیر عامل بر کیفیت اطلاعات حسابداری در بانکها و موسسات مالی، *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۱۱(۳۸)، ۲۴۸-۲۲۵.
۲. ثابتی بیلندی حجت، فاضلی تقی، فغانی ماکرانی خسرو (۱۴۰۲). طراحی مدل عوامل اثرگذار بر کیفیت حسابرسی و هویت حرفه ای حسابرسان عضو جامعه حسابداران رسمی به روش داده بنیاد، *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۱۲(۴۲)، ۴۱۳-۴۰۷.
۳. جودت زاگلوچه، محمدرضا، محمدزاده، سلطه حیدر. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین کارایی هیئت مدیره و محافظه کاری حسابداری. *مدیریت کاربردی و چاپک سازی سازمانی*. ۲(۳)، ۱-۱۶.
۴. خوشکار، فرزین، مولایی، حوریه، کریمی، آرزو. (۱۴۰۰). نقش تعدیلگر مالکیت نهادی و مدیریتی بر تاثیر محافظه کاری حسابداری بر ریزش قیمت سهام. *رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری*، ۸۳(۵)، ۵۳۸-۵۵۵.
۵. دستیگر، محسن، کاکائی سبزه خانی، مهتاب، علی پور، رامین. (۱۳۹۹). تاثیر ساختار مالکیت بر محافظه کاری شرطی و غیرشرطی. *رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری*، ۴۵(۴)، ۸۴-۱۱۲.
۶. مهدیان، سیدسعید، شیربندی. (۱۳۹۸). تدوین مدل الگوی رابطه تمرکز مالکیت، محافظه کاری و کیفیت گزارشگری با خطر سقوط قیمت سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران. *پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی*، ۱۳(۳)، ۵۱-۶۶.
7. Aburishseh, K. E., Dahiyat, A. A., Owais, W. O., Al Shanti, A. M., & AlQudah, L. A. (2022). The effect of ownership structure and board structure on accounting conservatism throughout financial reporting: Evidence from Jordanian industrial corporations. *Cogent Business & Management*, 9(1), 2112819.
8. Ahmed, A. S., & Duellman, S. (2007). Accounting conservatism and board of director characteristics: An empirical analysis. *Journal of accounting and economics*, 43(2-3), 411-437.
9. Asiriwuwa, O., Akperi, R. T., Uwuigbe, O. R., Uwuigbe, U., Nassar, L., Ilogho, S., & Eriabe, S. (2019, September). Ownerships structures and accounting conservatism among Nigeria listed firms. In *IOP Conference Series: Earth and Environmental Science* (Vol. 331, No. 1, p. 012056). IOP Publishing.

10. Benkraiem, R., Hamrouni, A., Lakhal, F., & Toumi, N. (2017). Board independence, gender diversity and CEO compensation. *Corporate Governance: The international journal of business in society*.
11. Chen, S., & Wei, M. (2007). Board independence earnings conservatism and investor protection. *Journal of Sun Yatsen University, Social Science Edition*, 2, 96-102.
12. Cui, L., Kent, P., Kim, S., & Li, S. (2021). Accounting conservatism and firm performance during the COVID-19 pandemic. *Accounting & Finance*, 61(4), 5543-5579.
13. Cullinan, C. P., Wang, F., Wang, P., & Zhang, J. (2012). Ownership structure and accounting conservatism in China. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 21(1), 1-16.
14. Haider, I., Singh, H., & Sultana, N. (2021). Managerial ability and accounting conservatism. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 17(1), 100242.
15. Hajawiyah, A., Wahyudin, A., Kiswanto, Sakinah, & Pahala, I. (2020). The effect of good corporate governance mechanisms on accounting conservatism with leverage as a moderating variable. *Cogent Business & Management*, 7(1), 1779479.
16. Kempthorne, J. C., & Terrizzi Jr, J. A. (2021). The behavioral immune system and conservatism as predictors of disease-avoidant attitudes during the COVID-19 pandemic. *Personality and individual differences*, 178, 110857.
17. Nguyen, T. M. H., To, A. T., Phan, T. H., Ngo, N. P. D., & Ho, T. T. H. (2022). Ownership Concentration and Accounting Conservatism: The Moderating Role of Board Independence. *Emerging Science Journal*, 7(1), 90-101.
18. Nguyen, T. T., Duong, C. M., Nguyen, N. T. M., & Bui, H. Q. (2020). Accounting conservatism and banking expertise on board of directors. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 55(2), 501-539.
19. Owais, W. O. (2021). The relationship between intellectual capital and accounting conservatism: A case study in Jordan. *The Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 8(4), 735-740.
20. Salehi, M., Ghanbari, E., & Orfizadeh, S. (2021). The relationship between managerial entrenchment and accounting conservatism. *Journal of Facilities Management*.
21. Saona, P., Muro, L., & Alvarado, M. (2020). How do the ownership structure and board of directors' features impact earnings management? The Spanish case. *Journal of International Financial Management & Accounting*, 31(1), 98-133.
22. Shan, Y. G. (2019). Managerial ownership, board independence and firm performance. *Accounting Research Journal*.

23. Sharma, M., & Kaur, R. (2021). Accounting conservatism and corporate governance: evidence from India. *Journal of Global Responsibility*.
24. Shen, X., Ho, K. C., Yang, L., & Wang, L. F. S. (2020). Corporate social responsibility, market reaction and accounting conservatism. *Kybernetes*.
25. Zhang, X., Gao, S., & Zeng, Y. (2019). An empirical study of the relationship between accounting conservatism and executive compensation-performance sensitivity. *International Journal of Accounting & Information Management*.

